

نگاه

## یک تقاضا از قوه قضائیه

### عمادالدین باقی

● پیش‌تر گفتاری از همین قلم تحت عنوان «چهار معضل فوری حقوق‌بشری» هم‌زمان در چند نشریه منتشر شد. یکی از نکات مطروحه این بود که در صورت توجه به راهکارهای قانونی برای حل این چهار معضل فوری، هزاران نفر از زندانیان آزاد شده و بار سنگینی از عهده جامعه و حکومت برداشته خواهد شد. این چهار مسئله عبارت بودند از: اعمال ماده ۱۳۴ قانون آیین دادرسی جدید، اعاده دادرسی در پرونده‌های محاربه براساس ماده ۲۷۹ قانون جدید مجازات اسلامی که تعریف محاربه را تغییر داده است و نیز تبصره دو ماده ۳۰۲ قانون جدید درباره محکومان به قصاص (که هنوز هم این سه ماده دربارهٔ عده‌ای از محکومان اجرا نشده است). یکی دیگر از این چهار مسئله نیز اجرای ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی بود. مقصود این نوشتار تکیه بر واپسین بند است. دلیل و پشتوانه تقاضا از قوه قضائیه افزون‌بر تکلیف مندرج در اصل هشتم قانون اساسی، این است که مروری بر قطع‌نامه‌ها و بیانیه‌های سازمان‌های بین‌المللی و واکنش‌های متعدد مقامات ایران را نشان می‌دهد. مسئولان کشور آن را به‌عنوان یک مسئله پذیرفته‌اند و این موضوع از جنان وضوح و اهمیتی برخوردار بوده که نهاد قانون‌گذاری کشور آن را وارد قانون کرده و در ماده ۲۱۰ قانون برنامه پنجم توسعه آمده است، درواقع در مسئله حقوق‌بشر افزون‌بر نیاز مبرم، یک تکلیف نیز از سوی نهاد قانون‌گذاری متوجه همه مسئولان کشور شده است: «اتخاذ دیپلماسی فعال جهت توقف روند صدور قطع‌نامه‌های حقوق‌بشری علیه جمهوری اسلامی ایران». یکی از مشکلات بزرگ رفتار به‌شدت انفعالی دستگاه‌های مربوطه است، حال آنکه در برابر انتقادات حقوق‌بشری باید فعال بود، نه منفعل و فعال‌بودن به معنای پاک‌کردن صورت‌مسئله یا انکار آن نیست، بلکه به معنای حل مسئله است و اینکه معایبی که موجب این مشکلات شده برطرف شوند. به عبارت دیگر اگر ظرفیت‌های قانونی موجود به‌طور کامل رعایت شوند، بخشی از مشکلات و انتقادات مرتفع می‌شوند. برای مثال درخصوص محکومان زیر ۱۸ سال، در ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ آمده است: «در جرائم موجب حد یا قصاص هرگاه افراد بالغ کمتر از ۱۸ سال، ماهیت جرم انجام‌شده با حرمت آن را درک نکنند یا در رشد و کمال عقل آنان شبیه وجود داشته باشد، حسب مورد با توجه به سن آنها به مجازات‌های پیش‌بینی‌شده در این فصل محکوم می‌شوند.»

نیک‌بختانه پس از ابلاغ این قانون در دیوان‌عالی کشور، چندین پرونده مورد بازبینی قرار گرفت و مطابق قانون جدید، حکم قصاص تبدیل به مجازات‌های خفیف‌تر پیش‌بینی‌شده در قانون شد اما شوربختانه به یک رویه واحد بدل نشد و باوجود پیری‌شدن گسترده‌سال از اجرای قانون مجازات اسلامی جدید و تمام وعده‌وعیدها درخصوص پرونده محکومانی که در سن زیر ۱۸ سال مرتکب جرم شده‌اند، اما در چندین مورد شاهد بودیم که بعد از تجویز اعاده دادرسی در مرحله بازنگری در شعبات هم‌عرض، دادگاه‌ها دوباره حکم اعدام صادر کرده و با

مجرمان زیر ۱۸سال همچون مجرمان بزرگ‌سال برخورد می‌شود. نمونه اخیر آن اعدام «آرمان بحرآسمانی» در کرمان در هفته جاری (سه‌شنبه، ۲۷ دی ۹۵) و حسن حسن‌زاده (چهارشنبه، ۲۹ دی ۹۵) بود که موجب شگفتی شد و نمونه‌های در دست رسیدگی و در معرض خطر پرونده‌های سالار شادی‌زی، حمید احمدی، زینب سکاوند، علیرضا تاجیکی، محمدرضا حدادی و… است که بعضاً در زمان ارتکاب جرم نه‌فقط ۱۸ سال، بلکه در حدود ۱۵ سال داشته‌اند و نیز پرونده سبحان حسین‌زاده و شایان امیدی که به جرم معاونت در قتل محکوم به حبس ابد شده‌اند و چندین مورد مشابه دیگر، درحالی‌که طبق قانون جدید مشمول مجازاتی خفیف‌تر می‌شوند. پرونده‌های متعددی از این نوع محکومان وجود دارد که اگر ریاست محترم قوه قضائیه در بخشنامه روشن و قاطعی (مشابه دستورالعمل ساماندهی زندانیان و کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها مصوب ۱۳۹۵/۶/۱۷) طبق ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی دستورالعملی صادر کند، معضل این تعداد پرونده‌ها که به نظر می‌رسد در حدود ۱۵۰ مورد بیشتر نباشد، برای همیشه حل می‌شود و رویدادهایی مانند خطر اجرای اعدام سجاد سنجری در کرمانشاه رخ نمی‌دهد که دادگاه محترم نپذیرفت که او در ۱۵سالگی و در مقام دفاع مرتکب قتل شده است و همچون یک مجرم بزرگ‌سال درباره او داوری شد. گرچه ظاهراً در پی درخواست روز گذشته کمیسر عالی حقوق‌بشر سازمان ملل از ایران برای توقف اجرای حکم اعدام سجاد سنجری، خوشبختانه به مداخله ستاد حقوق‌بشر قوه، اجرای آن متوقف شد، اما پرسش این است که چرا با وجود نص صریح قانون مجازات اسلامی با «دستورالعملی تأکیدی، این مسئله به نحو اساسی و کلی و جزئی و برای همیشه حل نمی‌شود.

**منبع: صدا**



علیاکبر رشاد، رئیس‌جمهور سابق ایران

اگر اتفاقاتی که در بالا اشاره کردم، در کشور رخ ندهد، بدیهی است که چه آقای روحانی مجدد انتخاب شود و چه دولت صالح دیگری سر کار بیاید و قصد آن این باشد که واقعا به نفع مردم کار کند، آن وقت شما مطمئن باشید که با مشکل روبه‌رو می‌شوید؛ ولی اگر نظارت صورت بگیرد، طبیعی است که اگر آقای روحانی بتواند ادامه بدهد، خیلی راحت‌تر می‌تواند کار خود را پیش ببرد؛ به چه دلیل؛ به دلیل اینکه چهار سال را تجربه کرده و با استفاده از این تجربه می‌تواند کار مؤثرتری انجام دهد؛ ولی من کار پیش‌رو را مشکل می‌بینم!

**۷ نکته‌ای که به آن اشاره کردید: یعنی شکل‌گیری نهادهای مدنی و صنفی قوی از یک سو و از سوی دیگر نظارت آنها در زمینه شفاف، طبیعتا در ماه‌های مانده تا انتخابات، نتیجه نخواهد داد. در مجموع با این شرایطی که هست، فکر می‌کنید که وضعیت چقدر به نفع روحانی است و چقدر به ضرر او است؟**

ببینید! مجموعه شرایط نشان می‌دهد آن کسانی که از این تریبون‌های مختلف می‌توانند بهره‌مند شوند، به‌نوعی مخالف آمدن آقای روحانی هستند؛ حتی با سیاه‌نمایی‌های خود تلاش می‌کنند شرایط را به‌گونه‌ای ارائه دهند که شما نمونه‌های آن را می‌بینید. برخورد با کنسرت‌ها، برخورد با سخنرانی‌ها و… همه اینها ناشی از این است که نشان بدهند دولت مشکل دارد؛ اما یادتان باشد، سال ۹۲ هم به‌هیچ‌وجه ارزیابی‌ها مبنی بر این نبود که آقای روحانی می‌تواند بیاید. حضور مردم، جدی‌شدن همین احزاب نیمه‌کاره‌ای که موجود هستند و احساس نگرانی و بحرانی که

در اداره کشور بین فعالان سیاسی و اقتصادی ایجاد شده بود، باعث شد که انتخابات نتیجه دیگری داشته باشد.

امروز با توجه به اتفاقات اخیر تمام آنچه آنها سر هم کرده بودند با حضور گسترده مردم در روز ۲۱ دی پنبه شد، شرایط امروز خیلی مناسب‌تر از اسفند ۹۴ است که همه اصلاح‌طلبان درجه یک و دو سه و دو و سه رد صلاحیت شدند. مردم به حضور خود در پای صندوق رای و ارزش رای خود واقف شده‌اند.

مردم وقتی به آن‌همه تبلیغ توجه نکردند، بیان‌کننده شرایط جدید در نوع تفکر و شناخت مردم از مجموعه شرایط کشور است. البته این شناخت از مردم نباید خوش‌خیالی به دنبال داشته باشد. کماکان باید احزاب، انجمن‌های سیاسی و ان‌جی‌اوها با استفاده از فرصت

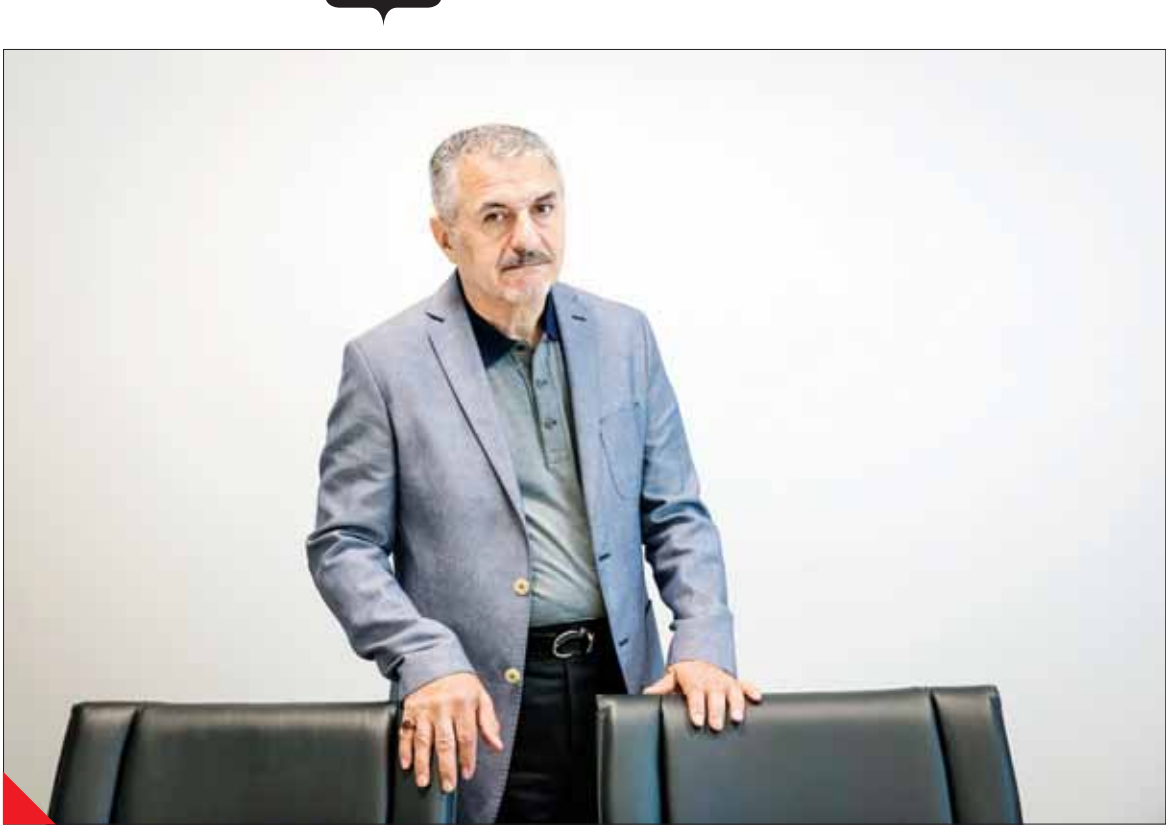
ایجادشده در ایجاد هماهنگی بیشتر کام بردارند و با برنامه‌ریزی همه‌جانبه در ایجاد سازمان رای و نظارت بیشتر تلاش گسترده‌تری برای حضور در یک انتخابات پرشور داشته باشد؛ چون همان‌طوری‌که گفتیم، به‌هرحال تعداد تریبون‌های فعال، همه ابزارهایی هستند که استفاده از آنها برای طرف مقابل به‌راحتی میسر است. فقط حضور گسترده مردم است که می‌تواند فضا را تغییر دهد.

**۸ نکته وجود دارد. اولاً فکر می‌کنید این ثبات ارزی و ثبات درآمدی که ممکن است از این به بعد در این دولت حاصل شود، چقدر به باز شدن یا بسته‌شدن فضای سیاسی می‌تواند کمک کند؟ نکته دوم اینکه اگر بخواهیم به طور مشخص دستاورد مشخص برجام در این یک‌سال و اندی را افزایش فروش و صادرات نفت در نظر بگیریم، نتیجه این دستاورد هنوز در زندگی مردم ملموس نیست و عامه مردم با مشکلات عدیده اقتصادی دست‌وپنجه نرم می‌کنند. فکر می‌کنید با ادامه این وضعیت باز هم مردم پای صندوق‌های رای بیایند؟**

یک مثال بزنم. بحران اقتصادی، مثل یک بیماری مهلک است. وقتی مرضی‌تا پای مرگ رفته است و بگویند که راه علاج آن بیماری پیدا شده است، بیمار از مرگ نجات پیدا می‌کند؛ اما همچنان نیازمند مراقبت است که توان گذشته خود را باز یابد. شما نمی‌توانید توقع داشته باشید مریض در یک هفته مجدداً به شرایط قبل از بیماری خود باز گردد.اقتصاد هم همین است. اگر آن شرایط نیستند که دنبال رای غارتی در آن حاکم شده و دچار بی‌نظمی شدید، بی‌انضباطی مالی و رعایت‌نگردن قانون شده بود، با تدبیر برخی امور

که از ژانویه سال گذشته آغاز شده، نمی‌توانید توقع داشته باشید که این اقتصاد بحران‌زده فوراً سالم شود. این اقتصاد بیمار، زمان می‌خواهد تا بهبود یابد؛ اما دولت روحانی این‌س موضوع را به صورت روشن و با زبان ساده با مردم در میان نگذاشته است. من منکر این نیستم که دولت روحانی کاستی‌هایی دارد؛ اما یادمان نرود که این دولت در دو سال گذشته همه بودجه خود را صرف پرداخت حقوق و یارانه می‌کند و اصلاً منابع دیگری نداشته که به وسیله آن کار انجام دهد. اینها همه نشان‌دهنده این است که دولت متورم سنگینی است که تکان دادن آن خیلی کار مشکلی شده است، مگر اینکه واقعا روحانی بتواند یک برنامه خیلی روشن و مشخص به مردم ارائه بدهد و بعد هم مردم به کمک او بروند و بتوانند شرایط را عوض کنند. البته مردم هم باید بدانند

## سیاست



# تأثیر درگذشت آیت‌الله هاشمی بر انتخابات ۹۶

همین‌قدر هم که دولت نگذاشته سفره مردم بیشتر از این خالی بشود، به نظر من کار بزرگی کرده است، شما یک مقایسه بکنید ونزولا را که امروز تورمش به حدود ۴۸۵ درصد رسیده است؛ کشوری که اصلاً تحریم نداشته و فقط مشکل درآمد نفت داشته است؛ یعنی اگر دولت روحانی نبود و این فشارها را نیاورده و این تحمل‌ها را به خرج نداده بود، تورم امروز کشور بالای صد درصد بود؛ یعنی اگر همان جریان قبل از سال ۹۲ ادامه پیدا می‌کرد کشور با چنین شرایطی روبه‌رو بود!!

عده‌ای فکر می‌کنند که پایین‌آوردن تورم یعنی ارزان‌شدن. معنی پایین‌آوردن تورم، ارزان‌شدن نیست. شما در واقع جلوی سرعت گران‌شدن را می‌گیرید. قیمت‌ها زمانی می‌تواند ارزان شود که رشد اقتصادی به سمت هشت درصد رفته و مستمر بشود؛ یعنی اگر رشد اقتصادی کشور چهار یا پنج سال به طور مستمر بالا برود و بتوانند تورم را کنترل کنند، آن زمان پول ملی ارزش پیدا می‌کند و با ارزشمندشدن پول ملی شما احساس ثروت می‌کنید.

آنچه امروز مردم را مستأصل و سفره مردم را خالی کرده، پایین‌آمدن شدید ارزش پول ملی است. کارگری که سه سال پیش ماهی یک میلیون تومان می‌گرفته، اگر امروز هم همان یک میلیون تومان را بگیرد، قدرت خریدش کمتر از ۶۰۰هزار تومان است؛ یعنی قدرت خرید پایین آمده است. مردم عموماً به این مسئله توجه نمی‌کنند که سقوط ارزش پول چه مشکل بزرگی است؛ باید توجه داشت که سال‌های ۹۰ تا ۹۲ یکبارہ قدرت خرید مردم یک‌سوم شد.

این آثار مترتب آن دوره است؛ چراکه این دوره پول ملی تغییرات زیادی نداشته است. در آن دوره بود که آن تغییرات وحشتناک به وجود آمد و باوجود آن درآمد‌های زیاد، یک‌دفعه ارزش پول ملی از دست رفت و دلار از هزارو ۲۰۰ تومان به سه‌هزارو ۶۰۰ تومان رسیده اینجا دلار نیست که گران می‌شود، بلکه رِیال است که بی‌ارزش می‌شود و در این وضعیت به طبقه پایین فشار می‌آید. اگر امروز می‌بینیم خط فقر این دولت در دو سال گذشته همه بودجه خود به دلیل این است که ارزش درآمد مردم به‌شدت کاهش پیدا کرده و آن پولی که دارند، برای اداره زندگی آنها کافی نیست. قیمت اجناس ممکن است در این دو سال خیلی گران نشده باشد، ولی منابع مردم برای اداره زندگی کافی نیست. این موضوع برای مردم به‌راحتی تبیین نمی‌شود. متأسفانه رسانه‌ها می‌توانستند دلار گران شد؛ درحالی‌که باید بنویسند رِیال ارزش خود را از دست داد.

**۷** فکر می‌کنید در این شرایط، اینکه یکبارہ بحث فیش‌های حقوقی مطرح می‌شود و از طرف دیگر بحث گورخواب‌ها، چقدر ممکن است به کمک جریانی بیاید که…

گفتم در چند ماه باقی‌مانده از عمر دولت حاضر، همه کسانی که رانت‌های غارتی نصب‌شان شده است، حاضر هستند هزینه کنند و جنگ‌های روانی متعددی را در جامعه به‌وجود بیاورند. همین مثال‌هایی که شما مطرح کردید، واقعا عینی است. من می‌خواهم سؤال کنم همه این حقوق‌های اضافه‌ای که پس گرفتند و طبق اعلام دیوان محاسبات کمتر از ۳۰ میلیارد تومان بوده است، چه نسبتی با ۱۲ هزار میلیارد تومان بایک زنجانی دارد؟ اصلاً می‌توان آن را قیاس کرد؟! اصلاً با همان پول دکل گمشده مقایسه کنید، ببینید امکان مقایسه اینها با همدیگر وجود دارد؟! آیا به آن مسائل آن‌قدر پرداخته شد که به اینها پرداخته شده؟! آنها‌ی که این مسائل را مطرح می‌کنند، خودشان هم می‌دانند واقعا حجم این پول را نمی‌توان اصلاً با شعاری که آنها می‌دهند قیاس کرد؛ اما آنها طور دیگری روی موضوع مانور می‌دهند. آنها به آدمی که دو میلیون تومان حقوق می‌گیرد، می‌گویند می‌دانی فلانی ماهی ۳۰ میلیون تومان حقوق می‌گرفته است! مردم تفاوت ۳۰ میلیون را با دو میلیون خیلی راحت می‌فهمند.

شما به بیشتر مردم بگویید سه هزار میلیارد تومان مملکت را چایپدند یا ۱۲ هزارمیلیارد تومان به غارت رفت؛ مردم اصلاً این عدد برایشان مفهومی ندارد. ولی برای آنها‌یی که می‌نشینند و این داستان‌سرایی‌ها را می‌کنند، کاملاً مفهوم دارد؛ یعنی آنها می‌دانند واقعا قضیه نوشتن «مار» و کشیدن شکل «مار» است!

یا در بحث گورخوابی، مگر شما فکر می‌کنید آلونک‌هایی که همین جا در دوروبر تهران وجود دارد، خیلی بهتر از گور است؟! شرایط بهتری از گور دارد؛! اینجا جدید به وجود آمده است؟! شما ورودی کرج را ببینید که از ۲۰ سال پیش تا الان چقدر آلونک ساخته شده؛؟ خب این آلونک‌ها برای کیست؟ یک عده دارند در آنها زندگی می‌کنند. استاندارد زندگی در آنها چیزی شبیه همان گور است؛ چرا در این مدت هیچ‌کس صدایش در نمی‌آید! مگر تعدادشان کم است؟ شما در حاشیه این شهرها بروید؛ می‌بینید تعداد درخور توجهی از این آلونک‌ها وجود دارد.

سازمان جهانی برنامه توسعه انسانی (سازمان ملل) در گزارشی که در سال ۲۰۱۴ ارائه کرده، اعلام می‌کند ۱۰۲ درصد جمعیت ایران در مکان مناسبی زندگی نمی‌کنند. پس این دید، پدیده جدیدی نیست. این ۱۰۲۵ درصد هم ناشی از سه سال دولت روحانی نیست، بلکه ناشی از همه مشکلات مدیریتی است که در تمام سال‌هایی که گذشته، حادث شده است. حضور در آن دوره‌ها هیچ صدایی درنیاورده و هیچ‌کس هیچ‌کس نگران زندگی آنها نشده است، مگر همین الان کسانی که در روستاهای دوردرست بندرعباس، جیرفت و… زندگی می‌کنند، فکر می‌کنید واقعا زندگی آنها خیلی بهتر از گورخوابی است؟

این جواب سؤال اول شماست؛ می‌خواهم بگویم آن کسانی که اتفاقاً استفاده‌های

میلیاردی و هزارمیلیاردی بردند، آنها دارند این سورترا را از سر گذاشت می‌زنند. نگرانی آنها هم اصلاً خانواده گورخواب و فقیر یا کسی که گرسنه است یا دختری که متأسفانه در ۱۲ سالگی از خانه فرار کرده یا اینکه سن اعتبار به زیر ۱۵ سال آمده، نیست. آنها نگران جیب خودشان هستند. آنها می‌توانند درباره هر مسئله این چنینی را در کشور خوب مانور داده و به نوعی آن را در ذهن مردم انعکاس دهند که بتوانند سوءاستفاده خودشان را از آن داشته باشند؛ وگرنه آنها هم می‌دانند این مشکلات مربوط به چهار سال اخیر نیست و ریشه در گذشته دارد. ولی چون قرار بر سیاه‌نمایی دارند، از این ابزارها سوءاستفاده می‌کنند. البته نباید شک کرد که نگرانی‌های بزرگی برای کشور و دولت وجود دارد، ولی نباید مسبب آنها را این دولت تلقی کرد.



نمایندگان تهران به صورت کلی و بسیار پرچم وارد این داستان شده است و یکشنبه از ساعت یک جلسه اضطراری دراین‌باره تشکیل خواهد شد». او افزود: «ما از ابتدای ورود به مجلس یک مسئله را به‌عنوان اولویت ملی مطرح کرده‌ایم و آن رسیدگی به بافت فرسوده و ساختمان‌های قدیمی است که به صورت پنهان باعث خسارت‌هایی به جان، مال و کِیان شهروندان می‌شود.

او در ادامه با اشاره به برنامه ششم توسعه افزود: «بنده در کمیسیون تلفیق پیشنهاد نظارت سازمانی مانند دیوان محاسبات کشور را بر شورای شهر و شهرداری دادم که در مجلس تصویب شده است و امیدوارم این ماده بدون تغییر در شورای نگهبان تصویب شود. این حداقل چیزی است که نمایندگان در این ماده خواستار آن شده‌اند که نهادهای عمومی غیردولتی مانند شهرداری‌ها تحت نظر دیوان محاسبات باشند و بر آنها نظارت فقط صرف نظارت است و معنای امروزهی ندارد».

علیاکبر رشاد، رئیس‌جمهور سابق ایران

خبر

## ارجاع گزارش

### پلاسکوبه سخن علنی مجلس

● **ایلنا:** محمدرضا رضایی‌کوچی، نماینده مردم جهرم در مجلس شورای اسلامی، ضمن تسلیت به مناسبت شهادت تعدادی از آتش‌نشانان عزیز کشورمان در آتش‌سوزی رخ‌داده در ساختمان پلاسکو، گفت: «بازدید از این حادثه داشتیم و بعد از آن هم جلسه‌ای با دستگاه‌های مسئول از جمله وزارت کشور، وزارت راه و شهرسازی، ستاد مدیریت بحران و… در این رابطه برگزار کردیم». او با بیان اینکه در جلسه مذکور همه دستگاه‌ها گزارشی از نحوه امدادرسانی ارائه کردند، افزود: «دستگاه‌های امدادی به‌خوبی توانستند حضور داشته باشند و کمک‌رسانی کنند». او با تأکید بر اینکه جمعیتی نزدیک به ۱۰ میلیون نفر در بافت‌های فرسوده زندگی می‌کنند، تصریح کرد: «این اتفاق می‌تواند در هر جای کشور رخ دهد؛ از این رو پیشگیری از وقوع چنین حوادث دلخراشی لازم است». رضایی‌کوچی ادامه داد: شهرداری‌ها در کشور باید نسبت به پیشگیری از وقوع چنین حوادثی پیش‌قدم شوند و رفع خطر کنند؛ متأسفانه در خصوص وقوع آتش‌سوزی در ساختمان پلاسکو ما خلأ قانونی نداریم بلکه بی‌توجهی به قانون مشکل‌ساز شده است. او افزود: «ورود جدی به بافت‌های فرسوده و تغییر نگرش در این رابطه برای جلوگیری از بروز حوادث این چنینی ضروری است». او از تهیه گزارش درخصوص حادثه آتش‌سوزی و نشست ساختمان پلاسکو خبر داد و گفت: «این گزارش هفته آتی به صحن مجلس ارجاع خواهد شد». رضایی‌کوچی با بیان اینکه باید جلوی بروز حوادثی مانند ساختمان پلاسکو گرفته شود، گفت: «طبق قانون شهرداری‌ها اجازه به روند فعالیت امدادگران، افزود: «ما به‌هیچ‌وجه به دنبال شناسایی مقصر رسیتمی بلکه خواهیم شفاف‌سازی و اطلاع‌رسانی رسمی و ایجاد فضای سازنده‌ایم تا زمینه‌هایی که منجر به بروز چنین حوادث خسارت‌باری شده که دل مردم و رهبری را به درد آورده و هزینه‌های بی‌جهتی را به جامعه و نظام تحمیل کرده، حذف کنیم؛ بنابراین بی‌طرفی و استقلال را رعایت خواهیم کرد و سوابق گزارش‌های کمیسیون نیز نشان می‌دهد در چنین مواردی که پای منافع ملی و انجام وظیفه قانونی در میان باشد، تحت هیچ فشاری قرار نمی‌گیریم». او ادامه داد: «موضوع بعدی که باید مشخص شود، این است که آیا تجهیزات اطفای حریق و امداد و نجات متناسب با نوع و حجم حادثه در اختیار بوده است؟». او افزود: «طبق ماده ۴۹ و با توجه به مأموریتی که مجلس به کمیسیون عمران داده، این هفته بررسی‌ها به صورت فشرده در حال انجام است». رضایی‌کوچی گفت: «گزارش مقدماتی کمیسیون عمران مجلس شامل شرح مواقع، وضعیت امداد و نجات و زمینه‌های منجر به حادثه و میزان آمادگی برای مدیریت بحران طبق ماده ۴۹ آیین‌نامه داخلی مجلس تقدیم مجلس خواهد شد تا هفته آتی در صحن قرائت شود». رئیس کمیسیون عمران مجلس شورای اسلامی یادآور شد: «بدیهی است که گزارش تکمیلی با بررسی‌های کارشناسی در زمان لازم تهیه و به مجلس ارائه خواهد شد».

### سیاوشی:

## عدالت جنسیتی از سیاست‌های والای اسلام است

● **ایلنا:** طیبہ سیاوشی‌شاه‌عنایتی نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی با اشاره به اهمیت تصویب برخی مواد برنامه ششم توسعه در مسیر مرتفع‌کردن مشکلات حوزه زنان، تصویب ماده ۱۱۶ را اتفاقی مثبت در این روند ارزیابی کرد و گفت: «نکته حائز اهمیت این است که از این پس، سیاست‌گذاری‌ها با استفاده از توانمندی‌های زنان یا رویکرد عدالت جنسیتی در چارچوب تعلیم اسلام خواهد بود». نایب‌رئیس فراکسیون زنان مجلس شورای اسلامی با تأکید بر اهمیت بحث عدالت جنسیتی یادآور شد: «به‌عنوان نمونه زنان حدود ۶۰ درصد آموزش عالی را به خود اختصاص داده و بیش از نیمی از ورودی‌های دانشگاه‌ها در سراسر کشور را تشکیل می‌دهند اما به این نسبت از امکان مشارکت در فعالیت‌های سیاسی و اقتصادی و دراختیارگرفتن پست‌های مدیریتی بهره‌مند نیستند». نماینده اصلاح‌طلب مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه تا امروز هم رویکردهای قانونی مثبتی درباره بانوان اعمال شده، گفت: «با این حال امیدواریم در آینده بیش از این به توانایی‌های زنان توجه شود و با توجه به عدالت جنسیتی که یکی از سیاست‌های والای اسلام محسوب می‌شود، از پتانسیل این گروه از جامعه استفاده شود». او در پاسخ به این سؤال که آیا تصویب ماده عدالت جنسیتی در راستای تبعیض مثبت برای زنان صورت می‌گیرد، گفت: «این موضوع بنا بر تبعیض مثبت صورت گرفته، بلکه تأکید این مصوبه بر این مورد است که تبعیض منفی علیه زنان اعمال نشود». سیاوشی تصریح کرد: «هنگامی که یک زن می‌تواند در بهترین دانشگاه‌های کشور تحصیل کند و با بهترین نمرات فارغ‌التحصیل شود، نباید این موقعیت نادیده گرفته شود که نتواند از موقعیت غفلت مناسب بهره‌مند شود».